



# وحدت و انسجام اسلامی از نگاه آیت الله بروجردی

آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی

آیت الله العظمی بروجردی از جمله مراجع برجسته و عالمان بزرگی بود که قبل و بعد از مرجعیت عام، همواره موضوع وحدت مسلمانان را در کانون توجه خود داشت. ملاحظه اوضاع نابسامان مسلمانان، سیطره کفار بر کشورهای اسلامی و غلبه روحیه عداوت و بدبینی بین مسلمانان، مسایلی بودند که عزم وی را برای وحدت و هممللی مسلمانان راسخ تر نمود. وسعت اطلاعات آن مرجع توانیش از منابع حدیثی، فقهی، رجالی و تاریخی اهل سنت، در کنار اشراف کاملش به منابع شیعی، به وی چنان قدرتی می داد که بتواند تشابهات و تفاوت های بین مذاهب را تحلیل کرده، اندیشه تقرب بین مذاهب را تاجایی که اصول و مبانی آن مذاهب اجازه می دهد، پیش ببرد. حمایت مادی و معنوی مستمر آیت الله بروجردی از دارالتقرب که در سال ۱۳۲۷ شمسی در قاهره و با دبیر کلی علامه شیخ محمدنقی قمی شکل گرفت، نشانگر اهتمام وی به وحدت و انسجام مسلمانان است. در مقاله حاضر، استاد واعظ زاده خراسانی که خود از شاگردان تاثیر بنیر آن بزرگوار و از کوشندگان راه تقرب است، تاثیر بنیری ها، دیدگاه ها و نوآوری های تقریبی آیت الله بروجردی را طی عناوینی چون: عنایت به فقه مقارن، ریشه یابی مسایل اختلافی، طرح یکسان کردن حج، آگهی دادن از فقه شیعه به فقهای اهل سنت، تکیه بر حدیث ثقلین برای تقرب شیعه و اهل سنت، اهتمام به درج روایات فقهی اهل سنت در کتاب «جامع الاحادیث الفقهیه»، حمایت از دارالتقرب، جلوگیری از آهانت به خلفا و بزرگان اهل سنت و برخی مطالب دیگر شرح داده است.

و مکتب فقهی - اصولی حدیثی و رجالی وی « منتشر کرد. اکنون بر آنم که به مناسبت برگزاری کنگره انسجام اسلامی که سال جاری به فرمان مقام معظم رهبری به آن نامیده شده است، در خصوص همین بعد از زندگی پربار آن حضرت به طور فشرده بپردازم. آیت الله بروجردی همواره دم از جهان اسلام و وحدت امت اسلامی می زد و اصطلاحات دیگر مانند «تقرب مذاهب، انسجام اسلامی، اصلاح امور مسلمین را به کار نمی برد، اما اندیشه داوری او همه این مفاهیم را در بر می گرفت. دیدگاه های آیت الله بروجردی در مورد وحدت و انسجام اسلامی را می توان طی عناوینی چند مطرح کرد اما: پیش از آن یک نکته را یادآور می شوم، و آن این که هواخواهان وحدت مسلمین و تقرب مذاهب اسلامی همه جزء مصلحان و اصلاح طلبان روحانی، یا سیاسی جامعه بوده اند. و کسانی که در فکر اصلاح جهان اسلام و عزت اسلامی و ترقی و

یکی از داعیان اصلاح و انسجام اسلامی و تقرب مذاهب در قرن اخیر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی طباطبایی به شمار می رود. آن مرحوم پس از مرجع کبیر آیت الله اصفهانی م (۱۳۲۵ ش) به مرجعیت عام پیروان اهل بیت علیهم السلام نائل گردید. او از جمله عالمان متبحر در علوم: رجال و حدیث شیعه و اهل سنت بود. وی چه قبل از مرجعیت عمومی و چه بعد از آن، همواره به امور مسلمانان عموماً، و به امر وحدت و زدودن تفرقه های فراوان و نزدیک کردن فرقه ها و اجتماع آنان تحت لوای اسلام، اهتمام می ورزید، تا آنجا که در سالهای آخر عمر که من از نزدیک شاهد بودم هیچ گاه از این فریضه مهم اسلامی غافل نبود. اینجانب، پس از رحلت آن مرد بزرگ در سال ۱۳۸۰ هجری قمری در سن ۸۸ سالگی، بارها در مقالات و مصاحبه های خود، راجع به زندگی و نقش علمی و اصلاحی او سخن گفته ام، از جمله کتابی به عنوان «زندگی آیت الله العظمی بروجردی

تکامل و تعالی مسلمانان بوده و هستند، در تلاش فکری و عملی خود، به این نقطه رسیده اند که تا مسلمانان متحد نباشند، و جهان اسلام یک پارچه نشود، اصلاح نخواهند شد و روی رستگاری را در بین جوامع بشری نخواهند دید و هرگونه اصلاح نسبت به جامعه اسلامی، متوقف بر وحدت امت اسلام است که (ان هذه امتکم امة واحده وانا ربکم فاعبدون). بنابراین، آیت الله بروجردی پیش از آنکه هواخواه تقرب مذاهب باشد به طور حتم از مصلحان جهان اسلام بوده است.

منابع اصلاحی و تقریبی آیت الله بروجردی ملاحظه نابسامانی اوضاع و احوال مسلمانان، سیطره کفار بر ممالک اسلامی، و غلبه روحیه عداوت و بدبینی بین مسلمانان، به اضافه وسعت اطلاعات از منابع حدیثی و فقهی و رجالی و تاریخی اهل سنت در کنار منابع شیعی، برای یک عالم اصلاح طلب خواهی نخواهی او را به ارزیابی تفاوت های دو مذاهب و مآلا به فکر تقرب بین مذاهب - تاجایی که اصول و مبانی آن مذاهب اجازه می دهد - می اندازد. مکتب اصفهان:

به طور حتم آیت الله بروجردی که عمری را در کسب اطلاع از آن منابع صرف کرده بود، چنین اندیشه مقدسی را برای وی فراهم آورده بود. ولی ریشه همه این مسایل به دوران تحصیل وی در اصفهان برمی گردد. وی تحصیلات خود را پس از طی مقدمات در بروجرد، در حوزه علمیه عریق و جامع اصفهان گذرانیده بود و خاطرات خوشی از دوران تحصیل خود در اصفهان داشت و با وجد بر زبان می آورد. این حوزه هزار ساله تا آن هنگام، سنت های علمی پیشین را در خود حفظ کرده بود، و هنوز سنت های پسندیده قدما را فراموش نکرده بود، سنت هایی که بر علوم نقلی، همطراز با علوم عقلی تأکید داشت به علاوه شخصیت های خیر و

مطلع از علم حدیث و علم رجال و تراجم و مانند آن در این شهر وجود داشتند، علومی که در دیگر حوزه‌های علمی شیعه در شرف فراموشی بود.

مکتب اصفهان، در حدود هزار سال دارای فعالیت و نشاط علمی و سابقه تحقیق در این علوم به خصوص در روزگار درخشان صفویه و مدتی پس از آن، و حلقه‌های علمی در جمیع فنون به خصوص در علم رجال و تراجم در آن دایر بود. شخصیتی مانند ابو نعیم اصفهانی (۳۳۶-۴۳۰) جداعلای خاندان مجلسی، و صاحب کتاب (حلیة الاولیاء) و جز آن، بیش از هزار سال، و شخصیت دیگری بنام سید محمدباقر مولوی صاحب کتاب با ارزش «روضات الجنات فی تراجم الفقهاء والسادات» قبل از حدود ۱۵۰ سال که هر دو تن در اصفهان زندگی می‌کردند و اعقاب و خاندان‌های آنان که هنوز از خاندان‌های علمی معروف این شهر از جمله خاندان علامه مجلسی که از نسل «ابو نعیم» اند تاکنون در این شهر وجود دارند.

این حوزه علمیه اثر خود را بر این طلبه جوان بروجردی با آن همه استعداد ذاتی، گذاشت و خط مشی آینده او را که بعداً از او مشاهده شد ترسیم کرد. علاوه بر این، در بعد علمی، آن شیوه اصلاحی میان فرق اسلام را باید گفت آن را هم-در تحلیل‌هایی که من کرده‌ام- از اصفهان کسب کرد. استاد مهم او در این حوزه که از آغاز تا پایان با او دمساز بوده است مرحوم سید محمدباقر در چه‌ای همین اندیشه وحدت اسلامی را داشته است، وی از خاندان معروف میرلوحی، فیلسوف معروف عصر صفویه است که با نحوه تفکر مجلسی و امثال او در جهت مخالف بوده و داستانهای آن دو عالم در کتاب‌ها آمده است.

این اندیشه اصلاحی اتحاد اسلامی، و عنایت به حدیث و فقه اهل سنت، تا همین اواخر در حوزه اصفهان ادامه داشت، و چنان که معروف است مرحوم حاج آقا رحیم ارباب بر این باور بود و من جسته‌گریخته مطالبی در این خصوص از قول و عمل او شنیده‌ام.

به احتمال قوی آیت‌الله بروجردی تحت تاثیر این طیف از عالمان بوده است. بلی، در حوزه نجف هم که آخرین دوران تحصیلی آقای بروجردی در آن بود شخصیتی مانند مرحوم شریعت اصفهانی دارای همین قبیل اطلاعات نقلی و همین اندیشه تقریبی و اصلاحی متخذ از اصفهان بوده و گویا آیت‌الله بروجردی در نجف از درس او بهره برده و اجازه اجتهاد از او اخذ کرده بود که عیناً در منابع یادشده در آغاز مقاله، آمده است.

کوشش در تقریب مذاهب اسلامی

می‌دانیم که اصطلاح تقریب مذاهب اسلامی را در حدود شصت سال قبل مؤسسه (دارالتقریب

به مذاهب دیگر از جمله مذهب امامیه اثنی عشری برگردند یعنی از فقهای این مذاهب در احکام پیروی کنند. زیرا همه از کتاب و سنت بهره گرفته‌اند. بنابراین، شیخ شلتوت و دیگر اعضای آن مؤسسه در صدد شناخت و تصویب عقاید کلامی مذاهب نبودند - چنان که برخی دچار این خطا شده‌اند و می‌گویند مذهب شیعه را شیخ شلتوت در بست پذیرفته - نبوده است.

حال باید دید که آیت‌الله بروجردی در زمینه تقریب فقه شیعه با فقه اهل سنت چه تدابیری را اندیشیده است.

### ۱- عنایت به فقه مقارن

آیت‌الله بروجردی در مسائل فقه، به فقه مقارن در مسائل خلافی اهمیت می‌داد؛ یعنی معتقد بود مسائل فقهی، نه تنها در سطح مذهب امامیه بلکه باید در سطح همه مذاهب فقهی اسلامی مورد بحث قرار گیرد و در هر مسأله مهم مورد اختلاف، ادله همه مذاهب منظور گردد.

به خاطر همین امر، این مرد بزرگ کتاب «مسائل الخلاف» شیخ طوسی را با تحمل مشقاتی در تصحیح آن، چاپ کرد و گاه به گاه این کتاب را با خود به جلسه درس می‌آورد و از محل مورد نظر عبارات شیخ طوسی را می‌خواند تا طلاب کم‌کم به این روش عادت کنند.

این ابتکار، باعث می‌گردید که مجتهدان شیعه علاوه بر کتب فقهی شیعه امامیه به کتاب‌های فقهی دیگر مذاهب رجوع کنند، و دقت و تلاش بی‌گیر آن مذاهب را در مسائل مهم فقهی مشاهده نمایند، و ضمناً به این نکته برسند که فقه یک علم است مشترک بین همه مذاهب اسلامی که با هم پیوند دارند و در یکدیگر تاثیر متقابل داشته‌اند، و هم اکنون نیز می‌توانند از نظریات یکدیگر به خصوص در مسائل نوپیدای فقهی بهره ببرند، و تاکنون بسیاری از مسائل مورد نیاز عصر امروز مانند مسأله بیمه، بانکداری، پیوند اعضا و مانند آنها را در دوره‌های مختلف، مورد بحث قرار داده و در چندین جلد کتاب و مجله خود نشر داده است.

آیت‌الله بروجردی معتقد بود با مراجعه به فتاوی رایج اهل سنت در عصر ائمه اهل بیت بهتر می‌توان روایات و اقوال ائمه را فهمید زیرا گفتار آنان با توجه به آن فتاوی صادر گردیده است.

گاهی می‌فرمود: «فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است» زیرا در آن اعصار احکام مورد عمل مسلمانان همان فتاوی پیشوایان آنان بود، و راویان اصحاب ائمه با توجه به آن فتاوی، از ائمه سؤال می‌کردند و ائمه هم با توجه به همان فتاوی پاسخ می‌گفتند.

مزید این نظریه آن است که بیشتر روایات فقهی شیعه به صورت سؤال و جواب از ائمه است، که مردم

□ آیت‌الله بروجردی مراجعه به  
فتاوی اهل سنت را از مقدمات فقه  
می‌دانست و می‌فرمود: «قدمای ما  
«مسائل الخلاف» را حفظ داشتند یا  
فتاوی آنها را در کتاب‌ها و  
درس‌های خود نقل و آنها  
را نقد می‌کردند.

این سنت حسنه یعنی رجوع به  
فتاوی اهل سنت از گذشته دور تا  
عصر شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۶ هـ)  
و حتی پس از آن، در بین فقهای ما  
دایر بود.

بین المذاهب الاسلامیه) در قاهره مطرح کرد که گفته می‌شود اصل آن از سخنان سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی گرفته شده است. مراد از مذاهب، در تقریب مذاهب، همانا مذاهب فقهی اسلام است که عمدتاً از چهار مذهب اهل سنت یعنی؛ مذهب حنفی منسوب به امام ابوحنیفه، مذهب مالکی منسوب به امام مالک ابن انس و مذهب شافعی منسوب به امام محمدبن ادریس شافعی و مذهب حنبلی منسوب به امام احمدبن حنبل و دو مذهب شیعی امامی و زیدی است. مذهب اسماعیلی فرع مذهب امامی، و مذهب اباضی هم فرع مذاهب اهل سنت است. این مذاهب هر کدام فقهی دارند که شامل احکام عملی اسلام از ابواب فقه از تطهیر تا دیات است، و در پاره‌ای از مسائل، با هم اختلاف دارند، که از اجتهاد فقهای آنان ناشی گردیده است.

(دارالتقریب) با بحث و فحص و شاید هم با توصیه آیت‌الله بروجردی به این نتیجه رسید که اختلاف در بحث‌های کلامی از جمله مسأله خلافت و امامت، به جایی نمی‌رسد و قابل تقریب نیستند بلکه مایه تجدید اختلافات خواهد شد، لهذا، کوشش خود را روی اختلافات فقهی متمرکز کرد، که سرانجام چنان که خواهد آمد با صلور فتاوی شیخ محمود شلتوت شیخ جامع از هر وقت، به نتیجه رسید. مبنی بر این که پیروان این مذاهب می‌توانند

عادی این تعداد زیاد سؤال دقیق را نمی‌توانند طرح کنند. پیداست که سائلان اهل علم بوده‌اند و مسائل را از فقهای اهل سنت که با هم محشور بودند می‌شنیدند و همان‌ها را از امامان عصر خود می‌پرسیدند.

مؤید دیگر این نظریه آن است که ابو عمرو کشی معاصر کلینی (م ۳۲۹) در کتاب معروف «اختیار معرفة الرجال» معروف به «رجال کشی» چند تن از اصحاب بزرگ حضرت امام باقر و امام صادق علیهما السلام مانند زراره، محمد بن مسلم، جمیل دراج را از اصحاب ابو حنیفه دانسته است که بر اثر ارشاد آن امام همام به اهل بیت (ع) گرویده‌اند و معلومات فقهی خود را پی در پی، به آن امامان عرضه می‌کرده و پاسخ ایشان را برای دیگران روایت می‌کردند.

آیت الله بروجردی مراجعه به فتاوی اهل سنت را از مقدمات فقه می‌دانست و می‌فرمود: «قدمای ما «مسائل الخلاف» را حفظ داشتند یا فتاوی آنها را در کتاب‌ها و درس‌های خود نقل و آنها را نقد می‌کردند. این سنت حسنه یعنی رجوع به فتاوی اهل سنت از گذشته دور تا عصر شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۶ هـ) و حتی پس از آن، در بین فقهای مادثر بود و در یکی دو قرن اخیر کم رنگ و یا فراموش شده بود، ولی پس از آشنایی طلاب و فقها با شیوه آیت الله بروجردی رفته رفته در حوزه قم و سپس در حوزه نجف اشرف دوباره رواج پیدا کرد.

آیت الله بروجردی برای تأیید این نظریه به روش فقهی قدما از جمله شیخ مفید (م ۴۱۳) سید مرتضی (م ۴۳۶) و شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) اشاره می‌فرمود و از بین فقهای پیشین، به شیخ طوسی «محمد بن حسن طوسی» معروف به شیخ الطائفه علاقه خاصی نشان می‌داد و در جلسه درس گاهی کتاب «خلاف» و یا کتاب «عدة الاصول» از تألیفات شیخ طوسی را می‌آورد و عبارات آنها را می‌خواند. گاهی می‌فرمود: «شیخ طوسی، بعضی از کتاب‌های فقهی خود را مانند «مبسوط» و «خلاف» را برای محیط جهان اسلام و بعضی مانند (نهایه) و دیگر کتب فقهی خود را برای محیط تشیع نوشته است.

ایشان در مواردی که از شیخ انتقاد می‌شد از وی دفاع می‌کرد، و می‌فرمود: (شیخ طوسی با کثرت مشاغل علمی برای این مسئله شاید پنج دقیقه بیشتر وقت صرف نکرده است) یا «اگر کسی لحظات عمر او را بر کارهایش تقسیم کند به هر مسئله‌ای بیش از پنج دقیقه نمی‌رسد، و با این پرکاری، طبیعی است که خطا بکند» و بالاخره از کارهای مرحوم شیخ طوسی با اعجاب و تحسین یاد می‌کرد و می‌فرمود: «نمی‌شود در برابر نظریات شیخ به آسانی نظر داد» و یا «شیخ طوسی هر یک از کتابهایش را برای هدف

می‌کرد و ابتدا نقطه نظر اهل بیت آنگاه نقطه نظر اهل سنت را با متانت و بی‌طرفی طرح، آنگاه نظر خود را بیان کرده کوشش می‌فرمود که همواره این قبیل بحث‌ها به صورت بحث علمی و نه جدال مذهبی مطرح گردد.

مثلاً در تحدید (قبله) می‌فرمود: به اجماع مسلمین و به ضرورت اسلام «کعبه» قبله است سپس در این که برای کسانی که خارج از مسجد الحرام هستند آیا عین «کعبه» با جهت آن (قبله) است و حدود و وسعه جهت را مورد بحث قرار می‌داد.

و نیز در رعایت اول وقت نماز می‌فرمود: همه در اول وقت نماز اتفاق دارند و اختلاف در رعایت آن است، اهل سنت آن را واجب دانسته و تأخیر نماز را از اول وقت بدون عذر جایز نمی‌دانند (که این یکی از دو قول معروف نزد شیعه نیز هست از جمله شیخ طوسی همین عقیده دارد) ایشان عقیده داشت در این مسئله اشتباهی رخ داده است.

فتاوی اهل سنت از این جانثات گرفته است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله همواره اول وقت نماز را اقامه می‌کرد، پس آنان در حقیقت، سنت عملی رسول اکرم را دلیل خود می‌دانند غافل از این که آن حضرت امام جماعت مردم بود و باید وقت معینی را در نظر می‌گرفت که اول وقت بود، اما در غیر این، گاهی بدون عذر نماز را از اول وقت تأخیر می‌انداخت تا مردم بدانند تأخیر در اول وقت جایز است. حال، ائمه اهل بیت به این نکته توجه داشته‌اند و آن را به پیروان خود گفته‌اند هر چند در روایات بسیار، تأخیر از اول وقت، کار به شدت مکروهی است. همچنین در اول وقت نماز مغرب می‌فرمودند: «به اتفاق مسلمین اول وقت این نماز غروب آفتاب است، اختلاف در این است که به مجرد پنهان شدن خورشید در افق، وقت داخل می‌شود یا باید حمره مشرقیه از زمین فاصله بگیرد تا یقین کنیم خورشید غروب کرده است، که شیعه بر آن است، پس اختلاف در علامت غروب است نه در اصل آن.

بنابر مبنای ایشان به گفته برخی: (که اهل سنت از آغاز در صدد تحریف و تغییر احکام بوده‌اند) نباید اعتنا کرد، بلکه شبهات علمی و اجتهاد باعث اختلاف در پاره‌ای از مسایل شده است.

۳- طرح یک سان کردن حج

یکی از مصادیق بارز اهتمام آیت الله بروجردی به تقریب مذاهب فقهی، طرحی است که ایشان در سال‌های آخر عمر به ملک سعود پادشاه وقت عربستان سعودی که به ایران آمده بود پیشنهاد فرمود: ما می‌دانیم که در برخی از مناسک حج بین مذهب شیعه و مذاهب اهل سنت اختلاف وجود دارد، یکی از مهمترین نقاط اختلاف، همانا حج تمتع است برای کسانی که از خارج حرم و از نقاط دور به حج

## □ آیت الله بروجردی به فقه مقارن

در مسائل خلافتی اهمیت می‌داد؛

یعنی معتقد بود مسائل فقهی، نه

تنها در سطح مذهب امامیه بلکه باید

در سطح همه مذاهب فقهی اسلامی

مورد بحث قرار گیرد و در هر

مسئله مهم مورد اختلاف،

ادله همه مذاهب

منظور گردد.

خاصی نگاشته است» اصولاً یک نوع هم‌اندیشی میان آیت الله بروجردی و شیخ طوسی وجود داشت که در خصوص درج روایات اهل سنت در کتاب «جامع الاحادیث» خواهیم گفت.

و بار دیگر می‌گویم آیت الله بروجردی معتقد بودند در فقه و استنباط فقهی، باید آراء اهل سنت را بدانیم و آنچه را از منابع شیعی به دست می‌آوریم با نظرات و آراء آنان مقایسه کنیم، زیرا اهل سنت فقهی دارند که از کتاب و سنت از طریق خودشان به اضافه ادله دیگر مانند قیاس و اجماع و جز آنها اخذ شده است. و عمدتاً بر اساس یکسری از روایات و آیات شکل گرفته است، لهذا باید با دقت به نظرات آنان توجه شود و مقایسه صورت بگیرد، و ادله ایشان به تفصیل نقل و اگر لازم باشد نقد شود.

این پندار و طرز تفکر - که علمای اهل سنت دور هم جمع شده و یکسری احکام را جعل کرده‌اند و ربطی به کتب و سنت ندارد، به شدت مخالفت می‌فرمود.

## ۲- ریشه‌یابی مسایل اختلافی

آیت الله بروجردی مسائل مهم مورد اختلاف را ریشه‌یابی می‌کرد زمان طرح آن مسایل را از لحاظ تاریخی و اولین باری که مطرح شده در نظر می‌گرفت، و ریشه اختلاف را به طور معقول و دور از احساس و بدبینی بررسی می‌فرمود، و نخست جلود اتفاق و اختلاف را در آن مسایل مشخص

مشرف و طبعاً باید از یکی از مواضع محرم شوند و پس از اعمال عمره از احرام خارج شده آن گاه روز هشتم ذی الحجة مجدداً به احرام حج محرم شده و راهی عرفات گردند.

رسول اکرم صلوات الله علیه و آله در (حجة الوداع) فرمود: کسانی که با خود قربانی نیاورده اند مکلفند در مکه پس از عمره از احرام بیرون نیایند، اما خود آن حضرت و دیگر کسانی که با خود قربانی آورده و به اصطلاح (هدی سوق) داده بودند به احرام خود باقی ماندند آن گاه فرمود: اگر در آینده به حج بیایم من هم تمتع خواهم کرد.

این را حج تمتع نامیده اند زیرا حجاج در بین عمره و حج از محرمان احرام تمتع می گردند.

در هنگام صدور این دستور، پذیرش آن بر بسیاری از صحابه گران آمد زیرا بر خلاف معمول حج پیش از آن بود، تا این که خلیفه دوم در زمان خلافت خود به مردم فرمان داد که عمره را به حج متصل کنند و با این فرمان، حج تمتع نزد فقهای که از خلیفه تبعیت کردند از بین رفت و اکنون اهل سنت غالباً چنین عمل می کنند، هر چند از ناحیه برخی از صحابه در آن هنگام و هم اکنون از سوی مقتیان سلفی با آن مخالفت شده، و بر حدیث «حجة الوداع» که به تفصیل توسط حضرت باقر از جابر بن عبدالله صحابی معروف، در کتب حدیث اهل سنت و با سندهای آنان نقل شده عمل می کنند.

پیشنهاد آیت الله بروجردی به ملک سعود چنین بود. او هدایایی برای ایشان فرستاده بود از جمله چند جلد کلام الله مجید و قطعه ای از پرده کعبه (که بعدها در اطاق پذیرایی ایشان به دیوار زده بودند). ایشان پس از دریافت آن هدایا به ملک سعود نوشتند: هدایای شما را دریافت داشتم اما رسم من نیست که از ملوک هدیه قبول کنم، لهذا هدایا را (که گویا پارچه های گران قیمت بود) برگردانیدم و جهت قداست، قرآن ها و قطعه پرده کعبه را نگهداشتم، به علاوه حدیث نبوی (حجة الوداع) را برای شما فرستادم.

این جریان در همان هنگام در مجله (رسالة المذاهب الاسلامیة) منتشر گردید، گویا ملک سعود مایل بود به ملاقات آیت الله بروجردی برود که به عللی صورت نگرفت.

حدیث مفصل «حجة الوداع» را حضرت امام باقر علیه السلام در جوانی در سن حدود ۱۷ سالگی که به دیدن جابر بن عبدالله در محله «بنی سلمه» در مدینه محل سکناي جابر رفته بود در حالی که نایباً بود از جابر شنیده است: فرمود: «جابر در آن جلسه از نام یک یک حاضران سوال کرد تا به من رسید گفتم: من محمد بن علی بن الحسین هستم، جابر بسیار محبت کرد و دست به سینه من کشید و گفت: (یا بن اخی) - ای برادر زاده من - حضرت جریان نماز جماعت

## □ آیت الله بروجردی مسائلی مهم مورد اختلاف را ریشه یابی می کرد زمان طرح آن مسایل را از لحاظ تاریخی و اولین باری که مطرح شده در نظر می گرفت، و ریشه اختلاف را به طور معقول و دور از احساس و بدبینی بررسی می فرمود.

جابر را هم برای حاضران نقل، و از وی راجع به «حجة الوداع» سوال کرد. جابر در آن سفر همراه رسول اکرم بوده و بنا به نقلی زمام ناچه رسول اکرم را در دست داشته است.

جابر، در پاسخ امام باقر گفت: به اهلش رجوع کردی «علی الخبیر سقطت» آن گاه مراسم (حجة الوداع) را از آغاز تا پایان نقل کرد، که متن روایات در کتب حدیث اندکی باهم اختلاف دارند و در برخی از آنها تمام حدیث، و در برخی بخشی از حدیث آمده است.

اینجانب در آغاز انقلاب، مقاله ای به عنوان «حج در سنت» نوشتم که پس از نقل آراء مذاهب اسلامی در حج، به نقل حدیث حجة الوداع پرداختم و جمیع اسناد و طرق و متون آن را گرد آوردم این مقاله در «کتاب حج»، که از سوی وزارت ارشاد انتشار یافت، آمده است و ترجمه آن به عربی «الحج فی السنة» از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی جزوه ای منتشر گردیده است.

این روایت به طرق مختلف از رویان اهل سنت به حضرت صادق می رسد و آن حضرت از پدرش حضرت باقر از جابر بن عبدالله نقل کرده و در روایات مروی از طرق شیعه نیامده است، در عوض حدیث مفصل دیگری درباره «حجة الوداع» در کتاب «کافی» کلینی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است، و من آن دورا باهم در مقاله «حج در

سنت» مقایسه و موارد اختلاف را بیان کرده ام. (حال عرض می کنم: در این روایت داستان حج تمتع به تفصیل آمده و رسول اکرم بر فراز کوه «مروه» این امر را صادر، و به پشت سر خود اشاره کرد، و فرمود این جبریل است که این را به من وحی کرده است.

ظاهراً منظور آیت الله از ارسال این حدیث برای ملک سعود آن بود که در طریق روایات حجة الوداع به نقل اهل سنت دونفر از امامان اهل بیت علیهم السلام ثبت گردیده و طبعاً برای شیعیان هم حجت است و نظر به این که در کتب صحاح آمده می تواند نقطه وحدت در این مسئله بین فریقین باشد، و سبب گردد که مسلمان ها در عمل مهم حج هماهنگ شوند و یکسان عمل کنند.

۴- آگاهی دادن از فقه شیعه به فقهای اهل سنت در میان رابطه تقریب فقهی، آیت الله بروجردی کتاب نفیس «المبسوط» تألیف شیخ طوسی را برای شیخ عبدالمجید سلیم یکی از شیوخ ازهر و از اعضای «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیة» و رئیس لجنه فتوایی الازهر اهداء کرده بود و او پس از مطالعه این کتاب چنان تحت تأثیر قرار گرفته بود که در اواخر عمر گفته بود: «چه آن موقع که مفتی سرزمین مصر بودم، و چه بعد از آن که عضو لجنه افتای الازهر گردیدم، هر گاه می خواستم به لجنه فتوا بروم برای نظر دادن در مسایل حتماً قبل از رفتن، کتاب «المبسوط» را مطالعه می کردم.»

کتاب «مبسوط» را شیخ طوسی در مسایل تفریعی نوشته است و در آغاز آن اظهار داشته که اهل سنت ما را متهم می کنند که شما به جز یک سلسله احادیث فقهی و محتوای آنها که به صورت فقه درآمد اجتهاد فقهی ندارید، و من بر آنم که تمام مسایل تفریعی که اهل سنت از راه قیاس و استحسان و مانند آن فتوا داده اند در این کتاب مطرح کنم و حکم آنها را از روی کلیات کتاب و روایات اهل بیت و مانند آنها بدون استفاده از قیاس بیان کنم.

این کتاب جامع، در حقیقت نخستین کتاب فقه تفریعی امامیه است، و پیش از آن به ندرت در آثار شیخ مفید و سید مرتضی و دیگران دیده می شود. کتاب «مبسوط» بسیار روان و منظم و مستدل و خوش عبارات است.

بنابراین، آیت الله بروجردی از طرفی اهتمام داشت که علما و فقهای شیعه باروایات و مبانی فقهی اهل سنت چنان که قبلاً گفته شد آشنا شوند، و از طرف دیگر اهل سنت نیز به روایات و فقه شیعه رجوع کنند و از آنها مطلع شوند. وی در این دو امر موفق گردید و بسیاری از اعضای «دارالتقریب» را که از آن بحث خواهیم کرد با فقه شیعه آشنا کرد، تا جایی که آنان در پاره ای از مسایل مهم، مانند، شرط شهادت عدلین در طلاق، موافق فقه شیعه فتوا دادند و در قانون مدنی

مصر ثبت گردید.

علاوه بر این، وزارت اوقاف مصر در همان ایام کتاب «المختصر النافع» تألیف محقق حلی (م ۶۷۶هـ) - که یک دوره فقه فشرده و خلاصه کتاب «تسریع الاسلام» آن محقق است - با هزینه خود و با مقدمه وزیر اوقاف وقت (الشیخ احمد حسن الباقوری) چاپ کرد. این دانشمند به ایران آمد و با آیت الله بروجردی دیدار کرد و شخصیت آن مرجع عالیقدر او را تحت تأثیر قرار داده بود. من در قاهره در حالی که (الباقوری) مدیر یک دانشکده اسلامی بود، او را ملاقات کردم و برای من یک جلسه درس و سخنرانی ترتیب داد و از شخصیت والای آیت الله بروجردی و اثری که دیدار آیت الله بر وی گذارده بود، سخن می گفت.

مقدمه آقای الباقوری بر کتاب «المختصر النافع» در باب تقریب فقهی و مشترکات فقهی فریقین است.

تقریب در حدیث شیعه و اهل سنت بر چند امر ۱- حدیث ثقلین: همانطور که قبلاً گفته شد آیت الله بروجردی عنایتی به تقریب در مسایل کلامی از جمله در مسأله خلافت و امامت نداشت گاهی می فرمود مسأله خلافت مربوط به زمان گذشته است که در عالم اسلام خلافتی وجود داشت الآن بحث در آن بی فایده است و این مسأله اکنون مورد نیاز مسلمین نیست. آنچه اکنون مورد نیاز است همان احکام فقهی است که مسلمانان امروز هم مانند صدر اسلام باید بدانند که احکام را از چه مأخذی بگیرند. اگر ما مطلب خود را به طور معقول در این خصوص برای اهل سنت بیان کنیم به نتیجه می رسیم و می توانیم آنان را تا حدی قانع کنیم. بخصوص که مسأله خلافت که حساسیت برانگیز و به دشمنی زد و خورد می انجامید، از میان رفته و بحث در منابع حدیثی فقه جدای از آن چندان حساسیتی ایجاد نمی کند.

حدیث ثقلین حدیثی متواتر و از تعداد زیادی از صحابه و تابعین و بر طرق عدیده در اکثر کتب معتبر اهل سنت - علاوه بر کتب شیعه - روایت شده است حتی بنا بر نقل صحیح مسلم، رسول اکرم در جریان غدیر از حدیث ثقلین سخن گفت و خلاصه آن حدیث را با کمی اختلاف در الفاظ با وحدت معنی فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی». نظر به اهمیت موضوع، هم در مصر و هم در ایران به شرحی که من در کتاب «زندگی آیت الله بروجردی» نوشته ام این حدیث مطرح گردید، تا این که یکی از محدثان قم مرحوم «شیخ قوام الدین و شنوی» با اشاره آیت الله طرق آن حدیث را در رساله ای به نام «حدیث الثقلین» گرد آورد و «دار تقریب» آن را عیناً بدون دخل و تصرف چاپ و منتشر کرد. و بار دیگر آن رساله را ما در (مجمع

بسیار روشن است، در حقیقت تکانی به اندیشه فقهی افراد منصف از فقها داد، و اینک نمونه های آن:

مرحوم علامه محمدتقی قمی دبیر کل دارالتقریب نقل کرد: شیخ عبدالمجید سلیم که راجع به او بحث خواهیم کرد می فرمود: «مذهب شیعه امامیه از صاحب شریعت به خصوص مدرک دارد، اما مذاهب دیگر مدرک خاص ندارند».

معنی این سخن آن است که حدیث الثقلین، مسلمانان را به عترت رجوع داده، و فقه امامیه مأخوذ از عترت است، در حالی که مذاهب دیگر، فتاوی پیشوایان مذاهب است که چنین دلیل خاص ندارند.

نمونه دیگر، که برای ما شیعیان بسیار با ارزش است همان فتوای شیخ شلتوت است که به احتمال زیاد پس از اطلاع وی از (حدیث ثقلین) و به استناد آن صادر گردیده است.

داستان آگهی شیخ شلتوت از این حدیث را مرحوم قمی چنین نقل می کرد: هنگامی که یک شماره از مجله (رساله الاسلام) را در چاپخانه کنترل می کردم دیدم آقای شیخ شلتوت در خلال تفسیر خود - که مرتباً در آن مجله منتشر می گردید - حدیث ثقلین را به گونه دیگر که نزد اهل سنت شایع است (کتاب الله و سنتی) آورده است، از همانجا به وی تلفن کردم و گفتم: شیخنا این حدیث با طرق فراوان چنین آمده (کتاب الله و عترتی) شیخ فرمود: در حاشیه بنویسید: (وجاء فی بعض الطرق «کتاب الله و عترتی» لا شک أن عترته یحملون سنته) - که هم اکنون این حاشیه وجود دارد - پس شیخ شلتوت این حدیث را با هر دو متن پذیرفته و بگونه ای آن دورا با هم جمع کرده است. من در ذیل رساله (حدیث ثقلین) در خصوص اختلاف این دو متن بحث کرده ام، باید گفت: مجرد انتشار این حدیث از سوی (دارالتقریب) خود گواه اندیشه اعضای آن است.

باری، آیت الله بروجردی چه در درس و چه در جلسه حدیث بر این حدیث ثقلین تأکید داشت و گاهی گاه آن را در درس مطرح و پیرامون آن بحث می کرد، بدون این که به موضوع درس ارتباط داشته باشد و همانطور که گفتم می فرمود: (بحث در خلافت حالا بی فائده است ولی بحث در اعتبار فتاوی و آراء عترت به استناد همین حدیث، مورد نیاز امروز جامعه اسلامی است) سخن آن بزرگمرد بسیاری از فضلالی حوزه و علمای خارج حوزه را قانع کرد.

۲- اهتمام به درج روایات فقهی اهل سنت در کتاب (جامع الاحادیث الفقهیه)

این کتاب یک دوره حدیث کامل فقهی است که زیر نظر آیت الله بروجردی به کوشش جمعی از شاگردان ایشان از جمله اینجانب تألیف گردید و چند بار چاپ شده است و من به تفصیل در کتاب «زندگی آیت الله بروجردی» درباره آن بحث کرده ام

□ در حدیث متواتر ثقلین رسول اکرم، عترت و اهل بیت خود را برای همیشه تا قیامت در ردیف کتاب خدا، مرجع مسلمانان دانسته، پس همانطور که (قرآن) حجت باقی است (عترت) هم حجت باقی است پس طبعاً باید مراد از (عترت) افراد خاصی باشند که مانند (قرآن) از خطا مصون باشند و نه هر سیدی از ذریه آن حضرت.

جهانی تقریب مذاهب اسلامی) همراهِ توضیحاتی به قلم من به صورت افست منتشر کردیم و هر کس مایل باشد می تواند جهت وقوف بر اعتبار و صحت آن حدیث، به آن رساله مراجعه نماید. لازم است بدانیم انتشار این رساله در قاهره از سوی «دارالتقریب» حتماً با تصویب شورای عالی آن مؤسسه که کسانی مانند شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت و دیگران در آن عضویت داشتند، صورت گرفته است. و قهرادر آن دیار و در بین استادان الأزهر شایع شده است.

در حدیث متواتر ثقلین رسول اکرم، عترت و اهل بیت خود را برای همیشه تا قیامت در ردیف کتاب خدا، مرجع مسلمانان دانسته، پس همانطور که (قرآن) حجت باقی است (عترت) هم حجت باقی است پس طبعاً باید مراد از (عترت) افراد خاصی باشند که مانند (قرآن) از خطا مصون باشند و نه هر سیدی از ذریه آن حضرت. من در توضیح این قبیل نکات در ذیل رساله حدیث الثقلین که از سوی مجمع جهانی تقریب تجدید چاپ گردید، مشروحاً بحث کرده ام.

تأثیر حدیث ثقلین بر فقهای اهل سنت این حدیث که از لحاظ متن و سند قطعی، و محتوای آن یعنی حجیت و سننیت ائمه اهل بیت

در خلال تألیف، وقتی که به کتاب «الصلوة» رسیدیم یک روز ایشان در جلسه حضور یافت و در حالی که کتابی در دست داشت: فرمود شما در ذیل هر باب روایات اهل سنت را از روی همین کتاب بنویسید، تا معلوم شود ما شیعیان چه مقدار حدیث از طریق ائمه داریم و آنها چه مقدار، همچنین اضافه فرمود: تعداد روایات شیعه در فقه خیلی بیشتر از روایات آنان است منتها آنها روی صحاح و روایات خود از لحاظ سند و متن بیشتر از ما کار کرده اند.

در جلسه حدیث، از روی همان کتاب، احادیث کتاب طهارت را کتاب ضمیمه کردند و به کتاب «صلوة» رسیدند که ناگهان ایشان در جلسه حاضر شدند و به خاطر عکس العمل مخالفین این فکر، اظهار تردید کردند و مسأله مهم باقی ماند، تا در جلسه دیگری - به شرحی که در آن کتاب نوشته ام - به طور قطع منصرف گردید و دستور داد که آن احادیث را از کتاب خارج کنیم. در آن جلسه که فرزند ایشان سید محمد حسین بروجردی حاضر بود فرمود: محمد حسن می گوید مردم خواهند گفت: علمای شیعه زحمت کشیده اند و احادیث اهل سنت را از احادیث شیعه خارج کرده اند و حالا ما داریم دوباره آن احادیث را وارد کتاب حدیث می کنیم. محمد حسن راست می گوید من می ترسم کتاب متروک گردد.

پس از آن دیگر در بقیه کتاب، احادیث اهل سنت را نیاروردم و آنچه را هم ضبط کرده بودیم حذف کردیم. من گفتم یک نوع هم اندیشی میان شیخ طوسی و آیت الله بروجردی وجود داشت، از جمله همین مسأله بود، شیخ طوسی در خاتمه کتاب «تهذیب الاحکام» که یکی از اصول اربعه ما است نوشته است: «من در ابتدا روایات اهل سنت را هم ضمیمه کردم ولی دیدم کتاب خیلی طولانی می شود، لذا آنها را حذف کردم» همانطور که گفتم آیت الله بروجردی میان فقه و حدیث اهل بیت و احادیث و فتاوی اهل سنت رابطه قائل بود و اعتقاد داشت روایات ایشان با توجه به آن روایات و فتاوی صادر شده است و اطلاع از آنها برای درک درست روایات ائمه لازم است. و از این راه بر پیوند فقه مذاهب اسلامی از جمله فقه امامیه با فقه اهل سنت تأکید می فرمود.

حمایت از (دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه) دارالتقرب در سال ۱۳۲۷ شمسی از سوی جمعی از بزرگترین علمای اهل سنت و مذاهب مختلف و علمای شیعه و با کوشش فراوان مرحوم علامه شیخ محمد تقی قمی که سال ها در لبنان و مصر اقامت داشت و با دبیر کلی وی شکل گرفت، و در آن هنگام در کل جهان اسلام با اهمیت فراوان تلقی گردید. اعضاء آن از اساتید الازهر مانند شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ

## □ آیت الله بروجردی میان فقه و حدیث اهل بیت و احادیث و فتاوی اهل سنت رابطه قائل بود و اعتقاد داشت روایات ایشان با توجه به آنها صادر شده است و اطلاع از آنها برای درک درست روایات ائمه لازم است. و از این راه بر پیوند فقه مذاهب اسلامی از جمله فقه امامیه با فقه اهل سنت تأکید می فرمود.

ابوزهره، حسن البنا، و دیگران و یکی از علمای زیدیه یمن، و از علمای شیعه، مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در نجف، مرحوم سید شرف الدین و مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه در لبنان بودند. دارالتقرب دارای آیین نامه مشخصی بود که در آن هنگام آن را در کشورهای اسلامی و بین علمای نامی منتشر کردند و از جمله برای والدین که واعظ معروفی بود فرستادند که من آن را خواندم و دائما از راه مجله رساله الاسلام، از جریان ها و اخبار دارالتقرب آگاه می شدم.

مجله رساله الاسلام، زبان گویای آن موسسه بود که از بهترین مجلات اسلامی شمرده می شد و مقالاتی از اعضاء آن مؤسسه از جمله تفسیر قرآن به روش ابتکاری بقلم شیخ محمود شلتوت شیخ الازهر و مقالاتی بقلم شیخ عبدالمجید سلیم و کاشف الغطاء و شیخ مغنیه و گاهی از سید شرف الدین و سید هبیت الدین عالم شیعی عراقی و دیگران در آن درج می شد. از این مجله فقط تعداد ۶۰ شماره منتشر شد که ما در مجمع جهانی تقرب آنها را در ۱۵ جلد منتشر کردیم و برای دانشمندان ارسال داشتیم. این مجله تا آخر حیات آیت الله بروجردی ادامه داشت و بعداً تعطیل گردید و کار (دارالتقرب)

متوقف شد که علت آن چنین است.

مرحوم آیت الله بروجردی به شرحی که در کتاب «زندگانی آیت الله بروجردی» به تفصیل آمده به آن موسسه کمک مالی و هم کمک علمی می کرد و با درگذشت آن مرد این کمک ها قطع شد و کارهای دارالتقرب که موقوف بر آن کمک ها بود متوقف گردید.

مرحوم قمی دبیر کل دارالتقرب با آیت الله بروجردی رابطه نزدیک داشت و مورد لطف و عنایت و اطمینان و امید ایشان در پیشرفت اندیشه تقرب بود و من که در جمع مؤلفین حدیث در منزل آیت الله هر روز رفت آمد داشتم بارها می دیدم مرحوم قمی همراه مرحوم ابن الدین از علمای روشنفکر به تهران می آمدند و به انتظار می نشستند، و بعداً به حضور آیت الله می رسیدند. من بعداً با مرحوم قمی رابطه و آشنایی پیدام کردم و بسیاری از مطالب را از او درباره دارالتقرب و اعضای آن از وی شنیده ام.

جلوگیری از اهانت به خلفا و بزرگان اهل سنت در این خصوص دو خاطره را یاد می کنم: یکی آن که یک روز در جلسه حدیث حضور یافت و فرمود: «کسی کتابی نوشته و تا توانسته به خلفا بد گفته است نام من را هم در آغاز کتاب برده است، من دستور دادم تمام جلدهای آن کتاب را جمع کنند. ما در چه زمانی زندگی می کنیم؟ این حرف ها چه فائده ای دارد جز ضرر و ایجاد عداوت؟»

خاطره دیگر، یک روز به یکی از طلاب فاضل اصفهان خطاب کرد که این چه وضعیت و حادثه ای است که در اصفهان اتفاق افتاده است؟ ظاهراً در آن شهر، تظاهراتی از سوی برخی از مردم متدین علیه یکی از علمای روشن اندیش و توأم با اهانت به خلفا و اهل سنت صورت گرفته بود. آن طلبه اصفهانی سبب و انگیزه آن تظاهرات را بیان کرد از این قبیل حوادث می توان به اندیشه تقریبی آیت الله بروجردی پی برد.

تأسف از انقراض خلافت عثمانی ایشان در حضور یکی از کسانی که از ایران در سمینار فلسطین در قدس شرکت کرده بود جهت کمک به مردم فلسطین، پس از وقوف بر بی نتیجه بودن آن اجتماع فرمود: تا وقتی خلافت عثمانی وجود داشت این قبیل مشکلات قابل رفع بود ولی حالا خیر.

بار دیگر از کوشش های آیت الله بروجردی در راه وحدت اسلامی و مبارزه با عوامل خلاف و تفرقه از ایشان تقدیر می کنیم و باید اعتراف کنم که آنچه گفته شد نمونه ای از عنایت و اهتمام او به امر مهم وحدت اسلامی است.